



وزرات علوم، تحقیقات و فناوری
دانشگاه شهید مدنی آذربایجان
دانشکده الهیات و معارف اسلامی
گروه فقه و حقوق

پایان نامه مقطع کارشناسی ارشد
رشته فقه و مبانی حقوق اسلامی

بررسی مبانی و ادله احکام حکومتی مقام معظم رهبری

استاد راهنما:

دکتر محمد امین فرد

استاد مشاور:

دکتر مرتضی حاجی پور

پژوهشگر:

فریده هوشمند

دی/۱۳۹۴

تبریز / ایران

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

تقدیم:

به گل سر سبد هستی آقا امام زمان (عجل الله تعالی فرجه الشریف)،
باشد که با فرجش دیدگانمان را منور به جمالش نماید
و جهان را با ظهورش از تمامی مشکلات رهایی بخشد.

حمد و سپاس خدایی را سزد که سخن در زبان آدمیان آفرید و درون او را به فروغ اندیشه بر افروخت و پیامبران را بر انگیخت تا پیام وحی را بر آدمیان برخوانند و حدیث رستگاری دو جهان را با بلاغت آسمانی بر گوش حقیقت خواهان جهان زمزمه کند.

تلمذ در محضر اساتید دانشگاه شهید مدنی آذربایجان تبریز، افتخاری برای این حقیر بود. فلذا از باب عمل به کلام مولای متقیان امیر المومنین علی (ع) (من لم یشکر المخلوق لم یشکر الخالق) از استاد محترم جناب آقای دکتر امین فرد که زحمت راهنمایی این پایان نامه را بر عهده داشتند و با ارشاد و راهنمایی‌های بی دریغ خود راه سخت تدوین پایان نامه را بر من هموار نمودند، از جناب آقای دکتر حاجی‌پور که مشاوره‌ی این پایان نامه را تقبل زحمت نمودند، از جناب آقای دکتر سلیمی مدیر گروه محترم و همینطور از استاد داور محترم که داوری این پایان نامه را بر عهده داشتند مراتب تشکر و قدردانی و امتنان خود را اعلام می‌نمایم.

همچنین بر خود فرض می‌دانم از زحمات و حمایت‌های خانواده‌ام که در تمام مراحل زندگی پشتیبانم بودند و نیز از همسر مهربان و فرزند عزیزم که وجودشان مایه‌ی آرامش و دلگرمی بنده است و از خانواده محترم همسر کمال تشکر و قدردانی را داشته باشم.

فریده هوشمند

دی ماه ۱۳۹۴

تبریز، ایران

فهرست مطالب

چکیده	یک
مقدمه	۱
بیان مسأله	۱
اهمیت و ضرورت تحقیق	۲
اهداف پژوهش	۳
سوالات پژوهش	۳
فرضیه‌های پژوهش	۳
پیشینه‌ی نظری و تجربی موضوع	۴
فصل اول: کلیات و مفاهیم	
۱-۱: معنای لغوی حکم	۶
۲-۱: مفهوم اصطلاحی حکم	۷
۳-۱: اقسام حکم	۹
۱-۳-۱: حکم تکلیفی، وضعی و ویژگی آنها	۹
۲-۳-۱: حکم واقعی، ظاهری و تفاوت آنها	۱۱
۳-۳-۱: حکم اولی، ثانوی و ملاک‌های آنها	۱۲
۴-۱: معنای حکومت	۱۳
۵-۱: تعریف حکم حکومتی	۱۴
۱-۵-۱: تعریف حکم حکومتی از دیدگاه شهید اول	۱۴
۲-۵-۱: تعریف حکم حکومتی از دیدگاه صاحب جواهر	۱۶
۳-۵-۱: تعریف حکم حکومتی از دیدگاه علامه طباطبایی	۱۶
۴-۵-۱: تعریف پیشنهادی از حکم حکومتی	۱۸
۶-۱: تفاوت احکام حکومتی با احکام اولی و ثانوی	۱۸
۱-۶-۱: تفاوت احکام حکومتی با احکام اولی	۱۸
۲-۶-۱: تفاوت احکام حکومتی با احکام ثانوی	۱۹
۷-۱: اشتراکات احکام حکومتی و احکام ثانوی	۲۰

فصل دوم: ماهیت، مبانی و ویژگی‌های احکام حکومتی

- ۲-۱: ماهیت احکام حکومتی ۲۲
- ۲-۱-۱: احکام حکومتی، احکام اولیه ۲۲
- ۲-۱-۲: احکام حکومتی، احکام ثانویه ۲۴
- ۲-۱-۳: نسبت میان احکام حکومتی و ثانویه، عموم خصوص من وجه ۲۵
- ۲-۱-۴: احکام حکومتی نه از سنخ احکام اولیه هستند نه احکام ثانویه ۲۶
- ۲-۲: مبانی احکام حکومتی ۲۸
- ۲-۲-۱: اجرای عدالت ۲۹
- ۲-۲-۱-۱: مفهوم عدالت ۲۹
- ۲-۲-۱-۲: اهمیت عدالت ۳۲
- ۲-۲-۲: مصلحت ۳۴
- ۲-۲-۱-۱: مفهوم مصلحت ۳۴
- ۲-۲-۲-۱: مصلحت در اصطلاح ۳۵
- ۲-۲-۲-۲: مبانی مشروعیت مصلحت ۳۵
- ۲-۲-۲-۳: ضوابط مصلحت ۳۶
- ۲-۲-۲-۴: متعلق مصلحت ۳۸
- ۲-۲-۲-۵: درجه بندی مصالح ۴۰
- ۲-۲-۲-۶: مرجع تشخیص مصلحت ۴۱
- ۲-۲-۲-۸: انتقاد از حاکم اسلامی در حکومت اسلامی ۴۷
- ۲-۳: ویژگی‌های احکام حکومتی ۴۸
- ۲-۳-۱: ارادی بودن ۴۸
- ۲-۳-۲: هماهنگی با شرایط عینی ۴۹
- ۲-۳-۳: احکام حکومتی، ابزار جریان سازی ۵۰

فصل سوم: ادله و گستره‌ی احکام حکومتی

- ۳-۱: ادله‌ی اعتبار احکام حکومتی ۵۳
- ۳-۱-۱: دلیل عقلی - نقلی ۵۳
- ۳-۱-۲: ادله‌ی نقلی ۵۶
- ۳-۱-۲-۱: استدلال به قرآن حکیم ۵۶

- ۳-۱-۲-۱-الف: آیهی اطاعت ۵۶
- ۳-۱-۲-۱-ب: آیهی اولویت ۵۸
- ۳-۱-۱-۲: روایات ۶۱
- ۳-۱-۲-۲-الف: توقیع مرحوم شیخ صدوق ۶۱
- ۳-۱-۲-۲-ب: مقبوله‌ی عمر بن حنظله ۶۳
- ۳-۲: گستره‌ی جواز صدور حکم حکومتی ۶۶
- ۳-۲-۱: قلمرو موضوعی حکم حکومتی ۶۶
- ۳-۲-۲: قلمرو زمانی حکم حکومتی ۶۸
- ۳-۲-۳: قلمرو مکانی حکم حکومتی ۶۹
- ۳-۳: قلمرو حکم حکومتی و فتوا ۷۰
- ۳-۳-۱: نقض حکم حکومتی با حکم سایر فقها ۷۱
- ۳-۳-۲: نقض حکم حکومتی با فتوای سایر فقها ۷۳

فصل چهارم: حکم حکومتی در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران و نمونه‌هایی از احکام

حکومتی مقام معظم رهبری

- ۴-۱: قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران و حکم حکومتی ۷۶
- ۴-۱-۱: محورهای کلی ۷۶
- ۴-۱-۱-۱: اسلامیت نظام و حکم حکومتی ۷۶
- ۴-۱-۱-۲: ولایت مطلقه‌ی فقیه و حکم حکومتی ۷۷
- ۴-۱-۲: شواهدی از قانون اساسی بر اعتبار حکم حکومتی ۷۸
- ۴-۱-۲-۱: اصل یکصد و دهم ۷۸
- ۴-۱-۲-۲: اصل یکصد و دوازدهم ۸۰
- ۴-۱-۲-۳: سایر اصول قانون اساسی ۸۱
- ۴-۲: نمونه‌هایی از احکام حکومتی مقام معظم رهبری ۸۱
- ۴-۲-۱: تنفیذ احکام ریاست جمهوری و نصب رئیس جمهور ۸۲
- ۴-۱-۲-۱: مفهوم و ماهیت تنفیذ ۸۲
- ۴-۱-۲-۲: فلسفه‌ی تنفیذ حکم ریاست جمهوری ۸۳
- ۴-۱-۲-۳: نسبت میان تنفیذ و انتصاب ۸۳
- ۴-۲-۲: موافقت با درخواست رئیس جمهور در رفع بازداشت از شهردار تهران ۸۴

۳-۲-۴: تأیید انتخابات مجلس ششم در حوزه‌ی تهران، علی‌رغم نظر به بطلان آن توسط شورای نگهبان.....	۸۵
۱-۳-۲-۴: ضرورت نظارت بر انتخابات.....	۸۵
۲-۳-۲-۴: مرجع نظارت بر انتخابات.....	۸۶
۳-۳-۲-۴: ماهیت نظارت شورای نگهبان.....	۸۷
۴-۲-۴: اعطای اختیارات به آقای محمد خاتمی در ماجرای قتل‌های زنجیره‌ای.....	۸۹
۵-۲-۴: اصلاح قانون مطبوعات در مجلس ششم.....	۸۹
۶-۲-۴: اعطای مجوز تجدید نظر در مصوبه‌ی مجمع تشخیص مصلحت، درباره‌ی تحقیق و تفحص از نهادهای زیر نظر رهبری.....	۹۲
۷-۲-۴: فرمان به تعویق افتادن مراسم تحلیف ریاست جمهوری به دلیل شبهه‌ی مخالفت با قانون اساسی.....	۹۳
۸-۲-۴: اعلام نظر در خصوص حل اختلاف نظر میان مجلس و قوه‌ی قضائیه در خصوص معرفی حقوقدانان شورای نگهبان.....	۹۳
۹-۲-۴: برکناری مشایی از معاون اولی.....	۹۴
۱۰-۲-۴: مخالفت با الحاق سازمان حج و زیارت به سازمان میراث جهانگردی و گردشگری.....	۹۵
۱۱-۲-۴: بازگشت مصلحی به وزارت اطلاعات.....	۹۵
نتیجه‌گیری.....	۹۷
فهرست منابع.....	۹۸

چکیده انگلیسی

چکیده

احکام حکومتی فرمانها و دستور العمل‌های جزئی، وضع قوانین و مقررات کلی و دستور اجرای احکام و قوانین شرعی که رهبری مشروع جامعه، با توجه به حق رهبری - که از جانب خداوند متعال یا معصومان علیهم السلام به وی تفویض گردیده است- و با لحاظ مصلحت جامعه صادر می‌کند، می‌باشد.

با این فرض که بر مبنای اندیشه‌ی اسلامی بنا بر ادله‌ی عقلی و نقلی، حاکم متولی اداره‌ی امور جامعه است، اعطای اختیارات لازم به حاکم از جمله صدور حکم حکومتی امری لازم است.

برای جلوگیری از هرج و مرج احکام حکومتی بر سایر فتاوی مجتهدین مقدم می‌باشد. در طول تاریخ فقهای همچون مرحوم میرزای شیرازی، آیت الله سید عبد الحسین لاری و آخوند خراسانی حکم حکومتی صادر کرده‌اند. پس از پیروزی انقلاب اسلامی ایران و استقرار نظام اسلامی مبتنی بر آموزه‌های دینی امام خمینی (ره) و پس از ایشان رهبر معظم انقلاب اسلامی با توجه به ضرورت‌های حکومتی و اداره‌ی جامعه حکم حکومتی صادر نموده‌اند که طبق قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران از وظایف و اختیارات رهبری می‌باشد.

اجرای عدالت و مصلحت مهم‌ترین مبانی صدور حکم حکومتی می‌باشد. ارادی بودن، هماهنگی با روابط عینی و ابزار جریان‌سازی از مهم‌ترین ویژگی‌های حکم حکومتی می‌باشد.

کلید واژه‌ها: احکام حکومتی، مبانی، مصلحت، عدالت و مقام معظم رهبری.

مقدمه

بر اساس اندیشه‌ی اسلامی هر انسانی برای رسیدن به سعادت دنیوی و اخروی و رسیدن به اهداف نهایی آفرینش نیازمند تشخیص مصالح و مفاسد فردی و اجتماعی است. اما از آنجایی که انسان دانش و توان لازم برای شناسایی آنها را ندارد قوانین و مقررات دینی مسئولیت انجام این امر مهم را بر عهده دارد. از این مصالح برخی ثابت، برخی متغیر، برخی بر اساس شرایطی خاص به وجود می‌آیند و در اثر تغییر شرایط از بین می‌روند. بنا بر اینکه مصالح و مفاسد در زندگی انسان ثابت نیست، احکام و مقررات دینی از جهتی در قالب احکام اولی یا احکام ثانوی و از منظری در قالب احکام حکومتی صادر می‌شود. حکم اولی احکامی هستند که طبیعت شی یا فعل مکلف بدون عوارض خاص، موضوع حکمی قرار می‌گیرد. حکم ثانوی احکامی هستند که طبیعت شی یا فعل مکلف همراه یکی از عوارض خاص لحاظ شده و سپس حکمی بر آن مترتب می‌شود. احکام حکومتی دستور العمل‌های جزئی، مقررات کلی و یا تطبیق کلیات بر مصادیق که توسط رهبر مشروع جامعه، با در نظر گرفتن مصلحت و اجرای عدالت صادر می‌شود.

بیان مسأله

خوشبختانه در مورد دو نوع اول تحقیقات فراوانی در طول تاریخ علمی شیعه انجام گرفته و آثار بسیاری از دانشمندان و فقیهان اسلامی در این مورد وجود دارد. اما از آنجایی که فقهای شیعه پس از حکومت امام علی (ع) و حکومت چند ماهه‌ی امام حسن (ع) موفق به تشکیل حکومت دینی نشدند در مسایل مربوط به حکومت، از جمله حکم حکومتی بحث زیادی نکرده‌اند و موضوع حکم حکومتی در بین برخی از فقها با عنوان احکام ولایی، احکام سلطانی، احکام متغیر مطرح شده است. حکومت جمهوری اسلامی ایران به عنوان اولین حکومت اسلامی تشکیل یافته است و با توجه به پیشرفت‌ها و تحولات جامعه و گسترش روابط با حکومت‌های دیگر، در امور حکومتی مسایل جدیدی مطرح می‌شود که در مورد آنها بحثی نشده است و با توجه به جامعیت و جاودانگی اسلام، دین علاوه بر تامین نیازهای فردی و اجتماعی، نیازهای سیاسی و حکومتی را نیز تامین می‌کند که در این صورت نیاز به صدور حکم حکومتی توسط مقام معظم رهبری به طور چشمگیری افزایش می‌یابد. این مبحث منجر به بروز چالش‌ها و مناقشات در مورد مبانی، گستره، اصل یا استثنا بودن این امر ایجاد می‌کند و منجر به مباحثات و مناقشات فراوانی در جامعه‌ی علمی و حوزوی گردیده است. در مورد احکام حکومتی تحقیقاتی انجام گرفته است؛ ولی هنوز زوایای حکم حکومتی مقام رهبری روشن نشده است و نیازمند تحقیقات بیشتر است و این احساس نیاز، نگارنده را بر آن داشت تا موضوع بررسی مبانی و ادله‌ی احکام حکومتی

مقام معظم رهبری را برگزینند. برای روشن شدن جایگاه و کاربردی کردن احکام حکومتی مقام معظم رهبری، در تحقیق حاضر سعی بر این است که ضمن بیان مفهوم حکم حکومتی و بررسی چگونگی ارتباط آن با احکام دیگر، مهمترین حکم‌های حکومتی مقام معظم رهبری از جمله حکم حکومتی ایشان به مجلس ششم شورای اسلامی برای کنار گذاشتن قانون مطبوعات مورد بررسی قرار بگیرد.

مبنای احکام حکومتی مقام معظم رهبری مصالح عمومی جامعه و نظام اسلامی و اجرای عدالت است. در اسلام عسر و حرج و ضرر نفی شده است. بنابراین اگر در جامعه مشکلی به وجود آید و باعث عسر و حرج یا ضرر برای عموم مردم جامعه شود معظم له می‌تواند حکم حکومتی صادر نماید. در برخی موارد نیز به دلیل اهم و مهم و حفظ نظام، رهبر معظم انقلاب اقدام به صدور حکم حکومتی می‌نماید که در تحقیق حاضر تا حد امکان مورد بررسی قرار می‌گیرد.

اهمیت و ضرورت تحقیق

اهمیت تحقیق از این جهت است که اداره‌ی یک جامعه به وسیله‌ی دین از ظرافت و حساسیت‌های خاصی برخوردار است به ویژه اینکه شیعه در قرون متمادی از داشتن حکومت محروم بوده و به طور معمول فقها احکام و سازکارهای حکومتی دین را مورد تحقیق و مذاقه قرار نداده‌اند.

با توجه به برقراری حکومت جمهوری اسلامی در ایران، بسیار ضروری است که مولفه‌های حکومتی دین از جمله احکام حکومتی مورد بحث و تحقیق واقع شود؛ زیرا از یک سو تحقیقات قابل توجه در زمینه‌ی احکام حکومتی صادره‌ی مقام معظم رهبری وجود ندارد و از طرفی با پیشرفت جوامع و توجه بیشتر به نقش حکومت در اداره‌ی جامعه‌ی اسلامی، نیاز به صدور احکام حکومتی توسط ولی فقیه افزایش یافته است و انجام تحقیقات در این موضوع هم موجب غنی‌تر شدن منابع فقهی می‌شود و هم کارایی حکومت بیشتر می‌شود.

اهمیت موضوع پایان نامه این است که الآن جامعه با احکام حکومتی مواجه است و برخی از علما و محققان درباره‌ی چگونگی و... آن سوال‌های زیادی دارند و گاهی احکام حکومتی را با آزادی‌های فرد و قانون عمومی در تعارض می‌بینند. لذا بسیار مهم است که حدود، چگونگی، ادله‌ی اعتبار و مبانی صدور احکام حکومتی را به طور کلی و احکام حکومتی مقام معظم رهبری به طور خاص مورد تحقیق و بررسی قرار گرفته و ضرورت مستند بودن آنها ارایه شود.

اهداف پژوهش

مهمترین اهداف پژوهش حاضر عبارتند از:

۱. دستیابی به معنا و گستره‌ی احکام حکومتی و رابطه‌ی آن با سایر احکام
۲. بررسی مبانی فقهی احکام حکومتی مقام معظم رهبری

سوالات پژوهش

پژوهش حاضر در صدد پاسخگویی و بررسی این سوال اصلی است:

مبانی و ادله‌ی احکام حکومتی مقام معظم رهبری چیست؟

سوالات فرعی پژوهش حاضر عبارتند از:

۱. مهمترین احکام حکومتی صادره از سوی مقام معظم رهبری حضرت آیت الله خامنه‌ای کدامند؟
۲. ملاک و مبانی استنباط احکام حکومتی مقام معظم رهبری چیست؟
۳. ادله‌ی اعتبار احکام حکومتی مقام معظم رهبری چیست؟
۴. ویژگی‌ها و گستره‌ی احکام حکومتی ایشان چیست؟

فرضیه‌ها

مهمترین فرضیه‌های تحقیق حاضر عبارت است از:

۱. مهمترین احکام حکومتی مقام معظم رهبری از جمله: حکم حکومتی ایشان به مجلس ششم شورای اسلامی برای کنار گذاشتن قانون مطبوعات، حکم برکناری معاونت اول رئیس جمهور در سال ۱۳۸۸، تمدید یک ساله‌ی اجرای قانون آزمایشی آئین دادرسی با پایان یافتن مدت مقرر در سال ۱۳۸۹، حکم ایشان بر ابقای وزیر اطلاعات در سال ۱۳۹۰ می‌باشد.
۲. مبانی احکام حکومتی مصالح عمومی جامعه و نظام اسلامی و اجرای عدالت است. بنابراین اگر نظام اسلامی دچار مشکلی شود که از طرق عادی قابل حل نیست با توجه به عناوین ضرورت نفی عسر و حرج، ضرورت نفی ضرر، اهم و مهم و حفظ نظام رهبر معظم انقلاب اقدام به صدور حکم حکومتی می‌نماید.
۳. ادله‌ی اعتبار احکام حکومتی همان ادله‌ی اثبات ولی فقیه و لزوم اطاعت از ایشان می‌باشد که طبق دلایل عقلی، نقلی و ترکیبی اصل ولایت فقیه از طرف فقهای شیعه مورد پذیرش است.

۴. با توجه به اصل پذیرش ولایت فقیه، حاکم جامعه‌ی اسلامی علاوه بر اجرای احکام صادره‌ی اسلامی، بنا بر شرایط زمانی و مکانی جامعه می‌تواند احکامی را صادر کند و اطاعت از ولی فقیه حتی در مواردی که مخالف فتوای مجتهد دیگر باشد بر همگان لازم است.

پیشینه‌ی موضوع

در این زمینه تحقیقات زیر انجام یافته: ۱. پایان نامه‌ی مفهوم حکم حکومتی و گستره‌ی شمول آن در فقه امامیه (بهزادی، ۱۳۹۲). ۲. بررسی جایگاه احکام حکومتی در حقوق اساسی جمهوری اسلامی ایران (قلی‌زاده، ۱۳۹۰). ۳. جایگاه احکام حکومتی در دولت جمهوری اسلامی ایران (کریمی، ۱۳۸۱). ۴. تحلیل بر نظریه‌های مربوط به احکام حکومتی در فقه امامیه (حسینی، ۱۳۸۰) و مقالاتی با عنوان ۵. شرعیت حکم حکومتی (بابایی، ۱۳۹۰). ۶. حقیقت و گستره‌ی حکم حکومتی و نقش آن در حل مسایل نوپیدای جامعه (شیرداغی، ۱۳۹۰). ۷. حکم حکومتی و مبانی استنباط آن (وکیل آباد، ۱۳۸۸) نوشته شده است. در پایان نامه‌های یاد شده مباحث پیرامون مفهوم حکم حکومتی و گستره‌ی آن یا نظریات مربوط به حکم حکومتی می‌باشد و در برخی دیگر نیز جایگاه حکم حکومتی در دولت یا حقوق اساسی جمهوری اسلامی ایران مورد بررسی واقع شده است. در مقالات نیز پیرامون بررسی فقهی حقوقی و گستره‌ی حکم حکومتی و مبانی استنباط آن مورد بحث واقع شده است. اما در خصوص بررسی ادله‌ی احکام حکومتی مقام معظم رهبری به حسب تتبع، هیچ پایان نامه یا مقاله‌ی مستقلی پیدا نشد. با عنایت و لطف الهی در این تحقیق ارتباط احکام حکومتی با احکام دیگر و در حد امکان مهمترین احکام حکومتی رهبر معظم انقلاب و ملاک ایشان برای صدور این احکام مورد بررسی قرار می‌گیرد.

فصل اول

کلیات و مفاهیم

اسلام به عنوان آیینی جامع و جاودانه علاوه بر تأمین نیازهای فردی، جوابگوی نیازهای مردم و جامعه در حوزه‌ی امور عمومی و حکومتی است. منبع این آیین آسمانی برای رفع این نیازها، علم و حکمت بی‌پایان الهی است و با توجه به روابط ثابت و متغیر در زندگی بشر احکام اولیه و ثانویه به تنهایی برای پاسخگویی به همهی نیازهای جامعه و حکومت کافی نیستند؛ لذا برای باز کردن گره‌ها و معضلات سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی که در اثر پیشرفت جوامع و پیچیده‌تر شدن روابط انسانی به وجود می‌آید احکام حکومتی را پیش‌بینی کرده است.

۱-۱. معنای لغوی حکم

در کتاب‌های لغت، برای واژه‌ی حکم معانی گوناگونی بیان شده است از جمله:
جوهری در الصحاح می‌نویسد: «حکم مصدر باب حکم یحکم به معنای قضاوت و داوری است».^۱
ازهری به نقل از ابن منظور می‌گوید: «حکم عبارت است از داوری و قضاوت کردن بر روش عدل».^۲
راغب در مفردات می‌نویسد: «حکم مصدر است از باب منع به معنای باز دارندگی به خاطر اصلاح؛ از این رو افسار چهار پایان را حکمه الدبه یعنی باز دارنده دابه نامیده‌اند».^۳
ابن اثیر در نهاییه: «یقال احکمت فلانا، باز داشتن است و به همین معنا است کلمه‌ی حاکم؛ زیرا حاکم باز دارنده از ظلم ظالم است».^۴

۱. جوهری، اسماعیل: الصحاح تاج اللغة و صحاح العربیه، زیر ماده حکم.

۲. ابن منظور، محمد بن مکرم: لسان العرب، زیر ماده حکم.

۳. راغب اصفهانی، حسین بن محمد: المفردات فی غریب القرآن، زیر ماده حکم.

۴. ابن اثیر، مبارک بن محمد: النهاییه فی غریب الحدیث و الاثر، زیر ماده حکم.

در لغت‌نامه‌ی دهخدا آمده است: «حکم حکومت، امر کردن، فرمان دادن، ج احکام».^۱
در فرهنگ فارسی معین آمده است: «حکم ۱- امر ۲- داوری، قضا ۳- منشور، فرمان، ابلاغ ۴- اجازه، فتوی ۵- اثبات امری که قایل را سکوت بر آن صحیح باشد».^۲
از عبارات فوق استفاده می‌شود که حکم در لغت در معانی زیر به کار می‌رود:
الف- قضاوت و داوری در اختلافات و فیصله دادن به دعوا
ب- باز دارندگی و منع از فساد
ج- دستور و فرمان
به نظر می‌رسد وجه اشتراک این معانی چیزی است که موجب الزام و اجبار از یک طرف و التزام و پذیرش از طرف مقابل می‌شود.

۱-۲. مفهوم اصطلاحی حکم

واژه‌ی حکم در هر علمی کاربرد ویژه‌ای دارد و در هر یک از آنها دارای معنای خاص اصطلاحی می‌باشد که اگر به همی آنها پرداخته شود نوشته از هدف اصلی خود دور خواهد شد. لذا بهتر است اصطلاح حکم در حقوق و فقه که شامل بحث می‌شود را به طور مختصر و اجمال بیان کرد.
حکم در اصطلاح حقوقی به رای دادگاه راجع به ماهیت دعوا که به قطع آن منجر شود، اطلاق می‌گردد، همچنان که در دستورات اجرایی بعد از ختم رسیدگی به دعوا نیز به کار می‌رود.^۳
فقها تعریف حکم و اقسام آن را در فصل جداگانه‌ای مورد بحث قرار نداده‌اند؛ بلکه در مناسبت‌های گوناگون آن را مطرح کرده‌اند و اصطلاح حکم در میان فقها با کاربردهای گوناگون مورد استفاده قرار گرفته است و همین علت به دست آوردن تعریف جامع و کامل از حکم را دشوار می‌کند.
شهید اول می‌فرماید: «حکم عبارت است از خطاب شارع که مربوط به کارهای مکلفین به گونه‌ی اقتضا یا تخیر است».^۴ که فاضل مقداد^۵ هم با افزودن وضع همین تعریف را پسندیده است.
اشکال تعریف این است که احکام وضعی را در بر نمی‌گیرد و حکم تنها احکام تکلیفی پنجگانه‌ی وجوب، حرمت، استحباب، کراهت و اباحه را شامل می‌شود.

۱. دهخدا، علی اکبر: لغت‌نامه، زیر ماده حکم.

۲. معین، محمد: فرهنگ فارسی، زیر ماده حکم.

۳. جعفری لنگرودی، محمدجعفر: ترمینولوژی حقوق، ص ۲۴۲.

۴. شهید اول، محمد بن مکی: القواعد و الفوائد، ج ۱، ص ۳۹.

۵. فاضل مقداد، مقداد بن عبدالله: نضد القواعد الفقهیه علی مذهب الامامیه، ص ۹.

شهید صدر در تعریف حکم آورده است: «حکم، تشریحی است که از طرف خدا برای منظم ساختن زندگی انسان صادر می‌گردد».^۱ این تعریف شامل احکام تکلیفی و وضعی، معاملاتی و عقود و ایقاعات می‌شود.

آیت الله خوئی بعد از رد کسانی که می‌گویند: «حکم عبارت است از اراده و کراهت مولی، می‌فرماید: «حکم عبارت است از اعلام به گونه‌ی لزوم».^۲

واژه‌ی حکم بر احکام قاضی نیز به کار می‌رود. شهید در این باره می‌فرماید: «حکم عبارت است از انشا اطلاق یا الزام در ارتباط با مصالح زندگی اجتماعی در موارد نزاع و خصومت، اعم از مسایلی که نیاز به اجتهاد دارد (شبهات حکمی) یا نیاز به اجتهاد ندارد (شبهات موضوعیه) با در نظر گرفتن مدارک احکام».^۳

صاحب جواهر در معنای حکم می‌گوید: «حکم عبارت است از فرمان حاکم بر عمل کردن به حکم شرعی تکلیفی یا وضعی یا موضوع این دو در موردی خاص».^۴

این مفهوم از حکم، بسیار فراگیرتر از حکم قاضی است و مقید به موارد اختلاف و نزاع نمی‌باشد. از جمله مهمترین معانی حکم میان فقها دستورات و فرامین رهبر است^۵ و آنچه در این پایان نامه به آن اهمیت داده شده است همین اصطلاح است.

به طور خلاصه می‌توان گفت حکم در اصطلاح فقهی کاربردهای زیر را دارد:
الف. دستور شارع در مورد مکلفین، به صورت الزام باشد (واجب و حرام) یا نباشد (استحباب، کراهت و اباحه).

ب. در اصطلاح عامتر حکم شامل احکام تکلیفی و وضعی می‌باشد.

ج. رای قاضی نیز حکم نامیده شده است.

د. دستور و فرمان رهبر است.

۱. صدر، سید محمدباقر: دروس فی علم الاصول، ج ۱، ص ۱۶۱.

۲. خوئی، ابوالقاسم: مصباح الاصول، ج ۲، ص ۷۷.

۳. شهید اول، محمد بن مکی: پیشین، ص ۳۲.

۴. نجفی، محمدحسن بن باقر: جواهر الکلام فی شرح شرایع الاسلام، ج ۴۰، ص ۱۰۰.

۵. مکارم شیرازی، ناصر: انوار الفقاهه، کتاب البیع، ص ۵۰۷.

۳-۱. اقسام حکم

حکم به معنای اعم آن در اصطلاح فقها و به لحاظ‌های مختلف، تقسیمات متفاوتی دارد. برخی از این تقسیمات که با موضوع تحقیق ارتباط دارد عبارتند از:

۱-۳-۱. حکم تکلیفی، وضعی و ویژگی آنها

حکم به لحاظ اینکه به طور مستقیم یا غیر مستقیم به فعل مکلف تعلق می‌گیرد به حکم تکلیفی و وضعی تقسیم می‌گردد.

حکم تکلیفی: حکمی است که بی‌واسطه به مکلفان، تعلق می‌گیرد؛ خواه مقتضای الزام و برانگیختن باشد و خواه مفید جلوگیری و منع یا هیچ یک از آن دو؛ بلکه مفید ترخیص و اباحه باشد.^۱ فقها حکم تکلیفی را در مجموع به پنج دسته تقسیم کرده‌اند که اگر مفاد خطاب شارع الزام به انجام دادن کاری باشد آن را وجوب و اگر منع از انجام دادن کاری باشد آن را حرمت و اگر انجام دادن آن رجحان داشته باشد با اذن در ترک آن، آن را استحباب و اگر ترک آن رجحان داشته باشد با اذن در انجام دادن آن، آن را کراهت و اگر دفع و ترک آن یکسان باشد آن را اباحه می‌نامند. برخی از این احکام پنجگانه؛ مانند وجوب به لحاظ‌های مختلف تقسیم بندی می‌شود.^۲ از جمله:

واجب یا عینی است؛ مانند نماز و یا کفای است؛ مانند امر به معروف و نهی از منکر.

واجب یا موقت است؛ مانند حج واجب یا غیر موقت است؛ مانند نماز قضا.

واجب یا تعیینی است؛ مانند نماز و روزه ماه رمضان یا تخییری است؛ مانند کفاره‌ی افطار عمدی روزه‌ی ماه رمضان.

واجب یا اصلی است؛ مانند نماز و یا تبعی است؛ مانند تهیه‌ی لباس برای پوشش.

واجب یا مطلق است؛ مانند نماز یا مشروط است؛ مانند استطاعت برای حج.

واجب یا منجز است؛ مانند نماز در صورت دخول وقت یا معلق است؛ مانند نماز قبل از دخول وقت.

واجب یا تبعدی است؛ مانند روزه یا توصلی است؛ مانند نجات غریق.

واجب یا نفسی است؛ مانند نماز یا غیری است؛ مانند وضو برای نماز.

واجب یا مولوی است؛ مانند روزه یا ارشادی است؛ مانند وجوب پیروی از خداوند.

واجب یا مضیق است؛ مانند روزه یا موسع است؛ مانند نماز یومیه.

۱. نائینی، محمدحسین: فوائد الاصول، ج ۴، ص ۳۸۴.

۲. مظفر، محمدرضا، م محسن غرویان: ج ۱، ص ۱۴۰.

حکم وضعی: عبارت است از قراردادی که اثر غیر مستقیم بر رفتار و کردار انسان دارد.^۱ در مورد کیفیت جعل احکام وضعی، سعه و ضیق آن و ارتباط آن با حکم تکلیفی مباحثی میان فقها مطرح است.

بعضی از اصولی‌ها احکام وضعی را سه دسته کرده‌اند:

- مجعول به جعل مستقل؛ مثل ملکیت و زوجیت
- انتزاعی است و جعل مستقل ندارد؛ مثل شرطیت، علیت، مانعیت و امثال اینها
- احکامی است مربوط به صحت و فساد^۲

احکام وضعی محصور در تعداد خاصی نیست؛ بلکه آنچه که به استقلال یا به تبع، مجعول به جعل تشریعی باشد و از احکام پنجگانه‌ی تکلیفی به شمار نرود حکم وضعی است. هر چند برخی، احکام وضعی را به سه چیز؛ سببیت، شرطیت و مانعیت. برخی دیگر، به پنج چیز به اضافه‌ی علیت و علامت و برخی به نه چیز به اضافه‌ی صحت، فساد، رخصت و عزیمت محصور کرده‌اند.^۳ بین احکام تکلیفی و وضعی ارتباطی تنگاتنگ وجود دارد؛ زیرا هیچ حکم وضعی‌ای یافت نمی‌شود، مگر آنکه در کنار آن حکم تکلیفی وجود دارد؛ مانند زوجیت که حکم شرعی وضعی است و در کنارش احکامی تکلیفی از قبیل وجوب انفاق زوج بر زوجه و وجوب تمکین زوجه در برابر زوج وجود دارد و نیز ملکیت که حکم شرعی وضعی است که در کنار آن احکامی تکلیفی همچون حرمت تصرف غیر مالک در مال بدون اذن مالک یافت می‌شود.^۴ نامگذاری این نوع احکام به احکام وضعی بدان جهت است که غالب این احکام موضوع حکم تکلیفی واقع می‌شوند.^۵

ویژگی‌های احکام تکلیفی و وضعی

- حکم تکلیفی ارتباط مستقیم با مکلف دارد؛ مانند وجوب نماز و حرمت غیبت، بر خلاف حکم وضعی که با مکلف ارتباط غیر مستقیم دارد؛ مانند احکامی که روابط بین زوج و زوجه را تنظیم می‌کند.

۱. صدر، سید محمدباقر: پیشین، ج ۱، ص ۱۶۲.

۲. حکیم، محمدتقی: الاصول العامه فی الفقه المقارن، ص ۵.

۳. بجنوردی، سید حسن: منتهی الاصول، ج ۲، ص ۳۹۶.

۴. صدر، سید محمدباقر: المعالم الجدیده، ص ۱۰۰.

۵. مشکینی، علی: اصطلاحات الاصول و معظم ابحاثها، ص ۱۲۱.

- حکم وضعی بر خلاف حکم تکلیفی مشروط به شرایط تکلیف نیست. بنابراین، حکم وضعی نسبت به فردی که شرایط تکلیف را ندارد نیز جاری است؛ مانند زوجیت که بر ازدواج دختر و پسر نابالغ توسط ولی آنان بار می‌شود، ضامن بودن کودک در صورت وارد کردن خسارت به دیگری.^۱

۱-۳-۲. حکم واقعی، ظاهری و تفاوت آنها

حکم شرعی به اعتبار واقع شدن یا واقع نشدن شک در موضوع آن به واقعی و ظاهری تقسیم می‌شود. در تعریف حکم واقعی و ظاهری بین اصولیون و فقها عبارات متفاوتی به کار گرفته شده است که مقصود همه‌ی آنها در نهایت یکی است و آن اینکه اگر شارع حکمی را به عنوان اولی برای موضوعی خاص جعل کند و در این جعل علم و جهل یا شک مکلف در نظر گرفته نشده باشد و بر اساس مصالح و مفسدات واقعی صورت گرفته شده باشد حکم واقعی است؛ مانند وجوب نماز و روزه. بنابراین حکم واقعی، حکمی است که برای فعلی از افعال انسان با قطع نظر از علم و جهل مکلف نسبت به آن، ثابت شده است^۲ و چنانچه امکان علم و دسترسی به حکم واقعی برای مکلف نباشد، در این صورت شارع برای رهایی مکلف از شک و تردید نسبت به حکم واقعی، وظیفه‌ی ظاهری مکلف را بیان می‌کند که در اصطلاح علم اصول، از آن به عنوان حکم ظاهری یاد می‌شود؛ مثل استحباب حکم به طهارت لباسی که قبل از وقوع شک، یقین به طهارت آن بود.

شهید صدر نیز در این باره می‌نویسد: «حکم واقعی حکمی است که در موضوع آن شکی نسبت به حکم شرعی قبلی فرض نشده باشد و حکم ظاهری آن است که در موضوع آن نسبت به حکم شرعی قبلی شک فرض شده است».^۳

تفاوت حکم واقعی و ظاهری

- حکم واقعی از مصالح و مفسدات ناشی می‌شود که در متعلق آن وجود دارد بر خلاف حکم ظاهری که ناشی از مصلحت است که در جعل حکم ظاهری است.

- در حکم واقعی، تمام مکلفان اعم از جاهل و عالم مورد خطاب‌اند در حالیکه حکم ظاهری تنها متوجه مکلف آن جاهل و شاک به حکم واقعی است.

۱. گلپایگانی، سید محمد رضا: الاحصار و الصد، ص ۱۸۵.

۲. حائری، سید کاظم: مباحث الاصول (التقریر الابحاث آیه الله الشهید السید محمد باقر الصدر) ج ۴، ص ۴۱۳.

۳. صدر، سید محمد باقر: دروس فی علم الاصول، ج ۱، ص ۱۶۵.